

پیشگفتار

تجربه طولانی تدریس اقتصاد بین الملل - تجارت بین الملل و مالیه بین الملل - در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و نبودن کتابی در بردارنده مجموعه‌ای از نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در خصوص اقتصاد بین الملل، مرا بر آن داشت تا کتاب حاضر - *اقتصاد بین الملل (۲): مالیه بین الملل* - را تدوین و تألیف کنم و در اختیار دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری و سایر علاقه‌مندان اقتصاد بین الملل قرار دهم. این جلد، مالیه بین الملل، که پس از جلد ۱، تجارت بین الملل، منتشر می‌شود شامل جنبه‌های پولی و مالی اقتصاد بین الملل می‌شود و نظریه‌های تعدیل تراز پرداختها و همراه با آن، موضوعات مربوط به نرخ ارز واقعی تعادلی و مسائل اقتصاد باز و جریان بین المللی سرمایه و صندوق بین المللی پول و کشورهای در حال توسعه و اتحادیه پولی را نیز دربر می‌گیرد.

انگیزه تألیف کتاب حاضر را آقای دکتر عربی، مسئول گروه اقتصاد «سمت»، و سایر همکاران گروه اقتصاد دانشگاهی که در آنها تدریس این درس را برعهده داشتم و دارم، ایجاد کردند. تشویق نامبردگان و سایر همکارانم در دانشگاه الزهراء و سایر دانشکده‌های اقتصاد موجب شد که جلد دوم اقتصاد بین الملل در اختیار شما قرار گیرد. بدین ترتیب، اکنون کتاب *اقتصاد بین الملل* در دو جلد - تجارت بین الملل و مالیه بین الملل - در اختیار شماست. به هر حال، از تمامی کسانی که در این خصوص مرا تشویق کردند، تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم. سرانجام از خانواده‌ام، خصوصاً همسر، که با صبر و شکیبایی انزوای مرا از محفل خانواده به سبب تدوین این کتاب تحمل نمودند تشکر می‌کنم.

سیدجواد پورمقیم

زمستان ۱۳۸۳

مقدمه

امروزه تمامی کشورها با شبکه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیچیده‌ای به یکدیگر مرتبط‌اند. اقتصاد بین‌الملل این روابط اقتصادی کشورها را بررسی می‌کند و چگونگی ایجاد این روابط و کاربردهای سیاسی آنها را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. گرچه روابط اقتصادی بر مسائل اقتصادی تأکید دارد، نمی‌تواند جدا از مسائل روابط سیاسی و اجتماعی باشد. به علاوه کشورهای جهان از راههای مختلف می‌توانند روابط اقتصادی خود را تنظیم کنند. مثلاً از طریق تجارت کالا و جریان سرمایه، که هر یک پیامدهایی دارد که در جای مناسب مورد بحث قرار خواهد گرفت.

اقتصاد بین‌الملل^۱ از دو جنبه اقتصاد خرد و اقتصاد کلان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نظر اقتصاد خرد، آن دسته از مسائل که به تجارت کالا و خدمات مربوط می‌شود، تحت عنوان نظریه‌های خالص تجارت و سیاستهای بازرگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد که آن را نظریه‌های تجارت خارجی (بین‌المللی)^۲ می‌نامند. از نظر اقتصاد کلان، آن دسته از مسائل که به جریان بین‌المللی داراییهای پولی مربوط می‌شود (مثل سازوکار تعدیل تراز پرداختها، حرکت سرمایه، ماهیت پرداختهای بین‌المللی و نظامهای بین‌المللی پول) مورد مطالعه قرار می‌گیرد که آن را مالیه بین‌الملل^۳ می‌نامند.

به هر حال، در این جلد از کتاب اقتصاد بین‌الملل به جنبه‌های پولی اقتصاد

1. international economics
2. international trade
3. international finance

بین‌الملل و تراز پرداختها (مالیه بین‌الملل) می‌پردازیم. در اینجا باید به دلایل عمده‌ای که اقتصاد بین‌الملل را از اقتصاد داخلی یک کشور متمایز می‌سازد اشاره شود. اگرچه در این مقدمه تمایز دقیق و کامل بین این دو اقتصاد مورد نظر است، در ابتدای بحث دریافت تمامی وجوه تمایز بین مسائل مطرح در اقتصاد به طور کلی و اقتصاد بین‌الملل ضروری نمی‌نماید. در واقع مرور کامل کتاب، شناخت بهتری از اختلاف بین مسائل و نظریه‌های خاص در اقتصاد بین‌الملل و اقتصاد داخلی به دست خواهد داد.

الف) تحرک عوامل تولید

اقتصاددانان کلاسیک در تفکیک تجارت خارجی از داخلی، بر نقش عوامل تولید (نیروی کار) در این تمایز، تأکید دارند. سرمایه و نیروی کار از عوامل متحرک در داخل یک کشورند، ولی از نظر بین‌المللی ممکن است این تحرک وجود نداشته باشد. مسئله جابه‌جایی عوامل تولید در داخل یک کشور و عدم تحرک آنها در محدوده بین‌المللی از جمله علل و موارد اختلاف در مبادلات بین‌المللی است.

ب) موانع و محدودیتهای تجاری، پولی و مالی

بدیهی‌ترین دلیل تمایز بین اقتصاد بین‌الملل و اقتصاد داخلی، محدودیتهایی است که در کشورهای مختلف جهان وجود دارد و مانع از تحرک کامل و آزاد کالاها و خدمات و عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) می‌شود. این موانع ممکن است جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داشته باشند. مثلاً وضع تعرفه گمرکی، محدودیتهای مستقیم تجارت و سیاستهای پولی و ارزی و مالیاتی از جمله موانع اقتصادی است که بررسی آنها را در اقتصاد بین‌الملل ضروری می‌سازد.

ج) وجود نظامهای پولی متفاوت

هر کشوری یک نظم پولی و تجربیات مختلف مربوط به آن دارد که بر عرضه صادرات و تقاضای واردات و سیاستهای مختلف ارزی اثر می‌گذارد. این نظامهای

مختلف پولی و سیاستهای متفاوت مربوط به آن لزوماً باید در چهارچوبی متفاوت مورد بررسی قرار گیرد که در این کتاب بدان خواهیم پرداخت.

هر کشور مبادلات اقتصادی متفاوتی را با سایر کشورها انجام می‌دهد. عمده‌ترین این مبادلات اقتصادی، صادرات کالا و خدمات و مبادلات سرمایه‌ای است. هر کشور برای بررسی عملکرد مبادلات و برنامه‌ریزی روابط اقتصادی و پرداختها و دریافتیهای خود لزوماً یک صورت مالی تهیه می‌کند که تراز پرداختها نام دارد. در واقع، بررسی جنبه‌های پولی و مالی مبادلات مختلف یک کشور با شناخت کامل تراز پرداختها ممکن است و نام دیگر مالیه بین‌الملل، بررسی تراز پرداختهاست.

کشورها با انجام مبادلات مختلف اقتصادی مجبورند پول خود را به پول کشورهای دیگر تبدیل کنند. این عمل در بازار ارز صورت می‌گیرد. در این کتاب بازار ارز و نرخ ارز و مسائل درگیر با آن و نظامهای مختلف ارزی مورد توجه قرار می‌گیرد.

به شکلهای مختلف نشان داده شده که نظریه سنتی در ملاحظات عملی امروز ناکارآمد است. فعالیتهای اقتصادی، تکنولوژی و ساختار بازار در هر دوره از زمان شرایط و مفروضات خاص خود را دارد. بدین ترتیب تحولات و نگرشهای متفاوت نسبت به شرایط، نظریه تراز پرداختها را بین کشورها دستخوش تحول و دگرگونی کرده است. در هر دوره متناسب با شرایط اقتصاد حاکم دیدگاههای متفاوتی از تراز پرداخت بین کشورها مطرح شده است. در ابتدا نظریه‌های تراز پرداختها با توجه به حساب جاری تراز پرداخت (صادرات و واردات کالاها و خدمات) و کاهش ارزش پول برای حل مسئله کسری تراز پرداختها با دید اولیه خود، روشهای حساسیت و جذب، مورد استفاده قرار می‌گرفت. آنگاه نظریه تعیین نرخ ارز با استفاده از روشهای پولی و دارایی مورد توجه قرار گرفت که ارتباط تنگاتنگی با حساب دیگر تراز پرداختها یعنی حساب سرمایه دارد. البته این بدین معنی نیست که نظریه کاملاً مجزایی در هر دوره ارائه شده باشد، بلکه دیدگاههای نظری تراز پرداختها مکمل یکدیگرند.

در واقع، در دهه ۱۹۵۰ سرمایه در مقایسه با کالا خیلی کمتر جریان داشت و معمولاً دولتها با مقررات تنظیم آن را کنترل می کردند. از این رو سؤال اصلی «نظریه تراز پرداختها» در چهارچوب مدل‌هایی که سرمایه را برون‌زا فرض می کرد پاسخ داده می شد. فرض می شد که کشورها به دلیل نرخ ارز ثابت، ذخایرشان را نسبت به کسری یا مازاد حساب جاری تغییر می دهند. در اواخر دهه ۱۹۶۰، آن قسمت از اقتصاد بین‌الملل که با نظام بین‌المللی پول و ترتیبات بین کشورها برای تأمین مالی جریان کالاها و خدمات مربوط می شد یعنی مدل‌هایی که در آنها فقط مبادلات حساب جاری درون‌زا در نظر گرفته می شد، مورد توجه بود. از این رو، نظریه تراز پرداختها به موضوعی اطلاق می شد که بر روابط متقابل بین متغیرهای پولی و قیمت‌های نسبی و جریان تجارت تمرکز داشته باشد.

نرخ ارز قیمت یک پول بر حسب پول دیگر است. مقامات پولی کشوری، که عرضه پول و شرایط اعتباری را کنترل می کنند در مقابل نرخ ارز نیز وظیفه‌ای دارند. اهمیت دقیق نرخ ارز در ارتباط با سیاست اقتصادی، به نحوه اجرای این مسئولیت، خصوصاً تصمیم درباره نرخ ثابت ارز، بستگی دارد.

در حد دیگر، نرخ ارز کاملاً قابل انعطاف (شناور) است. در این حالت مقامات نه تنها نرخ برابری اعلام نمی کنند که برای تأثیر بر نرخ یا تثبیت آن نیز در بازار دخالت نمی کنند. در واقع، تأثیر مقامات به طور غیرمستقیم از طریق اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی و سایر سیاست‌هاست.

بین این دو حد ترتیبات نرخ ارز بسیار متنوعی وجود دارد؛ بدین معنی که ثابت بودن نرخ ارز دارای شدت و ضعف است. مواد موافقتنامه صندوق بین‌المللی پول حاکی از آن است که پولها باید یک برابری ثابت را تعقیب کنند و در واقع مواد موافقتنامه به ترتیبی است که تثبیت در یک محدوده است و در مواقع «عدم تعادل اساسی» این برابری ثابت را می توان تغییر داد.

به هر حال، انتخاب ترتیبات نرخ ارز برای هر کشور تا اندازه زیادی به محدودیت‌های جهانی و طبیعت اقتصاد آن کشور بستگی دارد. مثلاً، اگر اکثر کشورها

نظام نرخ ثابت را تعقیب کنند، آن وقت کشوری کوچک مجبور است برای پیوستن به گروه یا کناره گرفتن از آن نرخ ارز خودش را انتخاب کند.

سیاستهای پولی و مالی در یک نظام نرخ ارز ثابت به الگوی مشخصی از مدیریت اقتصاد کلان توسط مقامات ملی نیاز دارد. سیاست پولی، خصوصاً تغییر در نرخ بهره، می‌تواند نقش هدایت‌کننده‌ای در مخارج خصوصی کل داشته باشد. اگر تحرک نقدی بین‌المللی کمی وجود داشته باشد در مقابل سیاست مالی در نظام نرخ ارز ثابت تأثیر زیادی بر مخارج ملی، تولید و حساب جاری دارد. تأثیر سیاستهای پولی و مالی در نظام نرخ ارز شناور کاملاً متفاوت است.

بحرانهای مالی و پولی در دو دههٔ اخیر مسائل خاصی را در پرداختهای بین‌المللی به وجود آورده است که باید در مالیه بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. تحرک سرمایه، بحرانهای پولی و مالی، اتحادیه‌های پولی و نقش صندوق بین‌المللی پول در نظامهای مختلف ارزی از جمله مواردی است که جایگاه آن در مالیه بین‌الملل است.

این کتاب شامل پنج بخش و بیست فصل است. این بخشها به نحوی تنظیم شده‌اند که نه تنها نظریه‌های اولیه و سنتی تراز پرداختها را مورد توجه قرار می‌دهند، بلکه نظریه‌های جدید تراز پرداختها را نیز در برمی‌گیرند. بخش اول که ارز، نرخ ارز و تراز پرداختها نام دارد شامل هشت فصل است.

فصل اول به مرور در مفاهیم و اصطلاحات اختصاص یافته و تراز پرداختها و شناخت آن در فصل دوم آورده شده است. در فصل سوم بازار ارز و انواع نرخ ارز بررسی می‌شود. در فصل چهارم و پنجم به ترتیب نرخ ارز نقدی و سلف و نظریه‌های برابری نرخ بهره و نظامهای مختلف ارزی تحلیل می‌شود. فصل ششم به تساوی قدرت خرید اختصاص دارد و بالاخره در فصل هفتم نرخ ارز واقعی و دیدگاههای متفاوت نرخ ارز واقعی تعادلی بررسی می‌شود و دیدگاهها و نظریه‌های مختلفی که در خصوص تعریف نرخ ارز واقعی تعادلی است به تفصیل آورده شده است.

بخش دوم کتاب که شامل چهار فصل است، بر اصل روشهای اولیه تعدیل تراز پرداختها یعنی توجه خاص به حساب جاری تراز پرداختها به عنوان تراز پرداختها و نادیده گرفتن حساب سرمایه (به علت عدم تحرک بین‌المللی سرمایه)، پایه‌ریزی شده است. در فصل هشتم روش حساسیت تعدیل تراز پرداختها آورده شده است که در واقع، اولین تلاش برای پاسخ به آثار کاهش ارزش پول بر تراز پرداختها است. فصل نهم به روش جذب یا درآمد اختصاص دارد. روش درآمد و قیمت در فصل دهم آمده است و بالاخره در فصل یازدهم یک دیدگاه از روش پولی تراز پرداختها مورد توجه قرار گرفته است.

بخش سوم کتاب (نظریه‌های جدید تراز پرداختها یا به عبارت دیگر روش دارایی تعیین نرخ ارز) شامل دو فصل است. در فصل دوازدهم روش پولی تعیین نرخ ارز آورده شده است که پول را به عنوان دارایی و تحت شرایط تحرک بین‌المللی سرمایه در نظر می‌گیرد. روش سبب (بدره) دارایی مالی تعیین نرخ ارز در فصل چهاردهم آمده است. در حال حاضر، از نظر بین‌المللی داراییهای مالی بین‌المللی نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشورها بازی می‌کند و در واقع با توجه به اهمیت سرمایه و تحرک بین‌المللی آن (حساب سرمایه تراز پرداختها) نظریه‌های بدره دارایی در تعدیل تراز پرداختها مورد توجه قرار گرفته است.

در بخش چهارم، که شامل چهار فصل است اقتصاد کلان باز و تراز پرداختها بررسی می‌شود. در فصل پانزدهم اقتصاد کلان باز و سیاستهای پولی و مالی در مدل‌های ماندل - فلمنینگ و در شرایط متفاوت، کشور کوچک و کشور بزرگ، تحرک ناقص سرمایه مورد توجه قرار گرفته است. در فصل شانزدهم مسئله تراز پرداختها و جریان بین‌المللی سرمایه و انواع سرمایه‌گذاری - دارایی مالی، سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی و انتقالها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل‌های هفدهم و هجدهم به ترتیب، بحرانهای مالی و پولی بین‌المللی و حملات سفته‌بازی و محدوده هدف نرخ ارز بررسی می‌شوند.

بخش پنجم، در دو فصل نظامهای پولی بین‌المللی را شامل می‌شود. در فصل

نوزدهم مسئله صندوق بین‌المللی پول و کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. ضمن بررسی صندوق بین‌المللی پول، موقعیت کشورهای در حال توسعه، در شرایط کنونی، و مسئله انتخاب نظام ارزی و سایر مسائل آنها مورد توجه قرار گرفته است. در ضمن، در این فصل تحولات نظامهای ارزی کشور ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. در فصل بیستم مسئله اتحادیه پولی و تشکیل اتحادیه پولی بهینه تحلیل و ارزیابی می‌شود.